



نشریه ماهانه:  
**3rd Series, Issue 73**  
سری سوم، شماره 73  
98 خرداد، Jun 2019

سردبیر: مینو همتی  
Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com  
مدیرمسئول: شراره رضایی  
Managing editor: Sharareh Rezaei  
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



**مطالب**  
مصاحبه رهائی زن با فریبا رشیدی فعال حقوق زنان در نروژ  
پیام و ندای زنان سندج برای محکوم کردن قتل های ناموسی  
از قندهار تا به لس آنجلس سحر صامت  
“سرکوب، خفقان و فساد، نشانه‌های زوال یک حکومت استبدادی است”  
آتنا دانمی فعال حقوق زنان و کودکان از زندان اوین  
بازهم قتل ناموسی سحر باباسلجی  
انتشارات شش‌رنگ (شبکه لژیون‌ها و ترنس‌چندرهای ایرانی) شادی امین  
وضعیت حقوق بشر در ایران مرضیه آدمی  
#سپیده قلیان به زندان قرچک ورامین منتقل شد.  
وضعیت زندانیان در بند و اوضاع وخامت جسمانی  
**صفحه خبری**  
• آوارگی ۳۱ میلیون کودک در کشورهای جنگ‌زده و مناطق بحرانی  
• یک نوزاد ۷ ماهه پس از ختنه توسط یک پرستار جان خود را از دست داد  
• کودک همسری در همدان؛ ۱۶۰۰ ازدواج طی یک سال  
• کودکان خردسالی که برای جرعه ای آب جان دادند  
• جزیره ای بنام مدارس “لاکچری” در دریایی از فقر عمومی  
راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف  
معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، نشریه ها و تلگرام



فعالان کارگری و دانشجویی،  
زیرشدیدترین فشارهای  
**امنیتی**  
صدایشان باشیم.

به نشریه رهایی زن بپیوندید  
لطفاً برای ارسال مقاله سیاست های نشریه مندرج در صفحه ی آخر را مطالعه بفرمایید.  
برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات “اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ...”، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل های زیر ارسال کنید.  
**Markazi@RahaiZan.org**

مصاحبه رهائی زن با فریبا رشیدی فعال حقوق زنان در نروژ



سنت‌های مردسالارانه نه تنها در زادگاه خود از زنان قربانی می‌گیرد بلکه این خلق و خوی جنایتکارانه در مهاجرت به اروپا نیز بطور آشکار و نهان بروز میکند.

دگربار ما شاهد یک قتل ناموسی دیگر در نروژ بودیم. [https://youtu.be/l\\_W41ralI9Q](https://youtu.be/l_W41ralI9Q) با سلام خوش آمدید به برنامه رهائی زن

**فریبا رشیدی:** با سلام خدمت شما و بینندگان تلوزیون رهایی زن از این که مرا به برنامه خوبتون دعوت کردین سپاسگذارم .

**مینوهمتی:** فریبا عزیز ما شاهد قتل ناموسی دیگری در نروژ هستیم، آیا می‌توانید توضیح دهید که ماجرا از چه قرار بوده و معلومات بیشتری در اختیار ما و بینندگان بگذارید؟

**فریبا رشیدی:** بله متأسفانه حادثه اخیری که در نروژ اتفاق افتاد خیلی غم انگیز بود. این اتفاق در یکی از شهرهای اطراف اسلو به اسم (استرومن)

افتاد این قربانی اسمش خانم سهیلا گوگانی هست و اهل نرده بوده که مهاجرت کرده به نروژ. و ایشان ۳۰ سال داشته اند و یک دختر ۸ ساله دارند. متأسفانه سهیلا گوگانی توسط شوهر سابقش مورد ضربات چاقو قرار می‌گیرد و قربانی قتل ناموسی میشوند و جانشان را از دست میدهند.

**مینوهمتی:** وضعیت دخترشان چطور است ؟ آیا از جریان قتل مادرش باخبر هست؟

**فریبا رشیدی:** از اینکه آیا دخترشان در جریان قتل مادرش آگاه است یا نه من خبر دار نیستم. ولی روزهای اول آشنایان و دوستان مادرش از او مراقبت کرده اند ولی در اصل سازمان مراقبت ار کودکان سرپرستی این دختر خانم را بر عهده می‌گیرند.

جنون در آید و انها باید مطمئن شوند که شخص مجرم دیگر خطری برای جامعه نخواهد داشت آنوقت از زندان آزاد میشود. و اگر هم ادم مثبتی باشد حکم او تخفیف می‌گیرد و زودتر از قرار از زندان آزاد میشود.

**مینوهمتی:** فعالین زنان نروژی و مهاجر در این زمینه چه اقدامی کردند؟

**فریبا رشیدی:** متأسفانه کار و فعالیت خاصی از طرف نرویزها انجام نگرفت. فقط چندی از فعالین سیاسی و دوستان و آشنایان خانم سهیلا گوگانی یا (مقتول) در راهپیمای شرکت کردن از جلوی شهرداری شهر (استرومن) تا جلوی خانه مقتول و با گذاشتن گل بر روی محل حادثه یاد این خانم را گرامی داشتند و با سخنرانی هایی از طرف انها قتل‌های ناموسی را محکوم کردند .

و به نظر من باید برای قتل‌های ناموسی به طور اکادمی و با حضور احزاب سیاسی پلیس و احزاب خارجی جدی باشند و سمینارهایی تشکیل دهند و این پدیده قتل‌های ناموسی را محکوم بکنند. و اگر غیر این باشد همچنان شاهد این جنایات خواهیم بود.

**مینوهمتی:** در مورد خودکشی ها و خودسوزی ها و قتل های ناموسی در ایران و کوردستان، آیا آمار و ارقامی در دسترس هست؟

فریبا رشیدی: هیچ وقت امار دقیقی را در دسترس نداریم. ولی من الان خیلی امار در دسترس دارم. خودکشی در کامیاران، خودکشی در ایلام ، سنندج، مریوان، ایلام، خودسوزی در ایلام، ارومیه نرده، و جالب اینجاست که یک آدم ربایی در مریوان داریم و خانمی که مدعی طلاق بوده توسط شوهر و برادر شوهرش به یک جای نامعلومی ربوده شده و از سرنوشت او خبری در دسترس نیست. و وکیل این خانم هم اطلاعاتی در دسترس ندارد.

همانگونه که مطلع هستید متأسفانه قانون اساسی جمهوری اسلامی مجازاتی برای قتل‌های ناموسی در نظر نگرفته و شخص قاتل تبرئه میشوند و چون قتل توسط اولیاء دم صورت می‌گیرد طبق قانون اساسی میتواند تبرئه شود. خیلی جای نگرانی است که امنیت زنان در خطر است و یک حکومت زن ستیز اسلامی روح و روان زنان را به خطر انداخته و جای امنی برای زیستن ندارند و هیچ سازمان و ارگانی از انها حمایت نمیکند حتی خانه پدری! زنان به ناچار مرتکب اعمالی چون خودسوزی و خودکشی میشوند و به زندگی خود پایان میدهند.

**مینوهمتی:** چگونه است که مقاومت نروژ نتوانستند از این جنایت ممانعت به عمل بیاورند؟

در رابطه با اینگونه قتل‌های ناموسی داد گاه قضایی نروژ چگونه برخورد میکند؟ آیا نسبیست فرهنگی را در نظر می‌گیرد؟ (که از همان فرهنگ آمده اند) یا بر اساس قانون جزائی کشور خود به این پدیده برخورد میکند؟ فعالیت‌های زیادی در رابطه با اینگونه قتل‌های ناموسی در سوئد شده است، می‌خواهم بدانم در نروژ چگونه است؟

**فریبا رشیدی:** متأسفانه مقامان نروژ خیلی اینجور کیسها و پرونده ها را جدی نمی گیرند. نمونه هایی دیگری هستند که در چندین سال اخیر قربانی قتل‌های ناموسی شده اند. خانمهایی به نام هاله خزری ، رویا هاشمی اینها نمونه هایی هستند که در دسترس من بودند. خانمهایی که امنیت خود را در خطر میبینند به پلیس اطلاع میدهند ولی پلیس بر این باور است که این یک فرهنگ و رسم است و در میان خارجیها خشونت علیه زن به فرهنگ تبدیل شده است . و همانطور که گفتم به همین خاطر پلیس خیلی پیگیر این جور اتفاقات نیست. ولی در اصل پلیس وظیفه دارد برای امنیت خانمها جاهای امنی را در نظر بگیرد و با آدرس نامشخص تا افراد در امنیت کامل به سر ببرند و دور از آسیب

و اشخاص خطر ناک باشند. دولت طبق قانون اساسی کشور برخورد میکند. مسئله دیگری این هست که نمیدانم بگویم خوشبختانه یا متأسفانه زندان نروژ خیلی رفاهی است و فرد در زندان از امکانات رفاهی برخوردار هست، (امکانان پزشکی ، آموزشی، تفریحی،) در اختیار آنها قرار می‌گیرد و فرد تحت کنترل پزشک روانشناس قرار می‌گیرد و آموزش میبیند تا از آن حالت

**مینو همتی:** آیا صحبت و پیامی برای بینندگان که صدا و تصویر تو را دارند چیه به عنوان زنی که از همان سیستم و فرهنگ رانده شده ای و الان به حق و حقوق خود آشنا هستی؟

**فریبا رشیدی:** پیام من برای تمام هموعان خودم که در شرایط سختی هستند ولی راه چاره ندارند و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم میکنند، خودکشی و خودسوزی راه چاره نیست باید قوی باشید و تن به هیچ ظلم و تحقیر ندهند راه و سرنوشت خود را خودشان انتخاب کنند و تسلیم نشوند. با مردی که با آن امنیت ندارند زندگی نکنند و محتاط باشند و چه زانی که در اروپا هستند باز باید محتاط باشند تا از آسیب در امان باشند. زنان از فرهنگ غلط اسلامی و مردسالارانه گریخته و پناهنده اروپا میشوند ولی باز متأسفانه در اینجا هم در امان نیستند و حق هر زنی است فضای امنی برای خود ایجاد کند. حق و حقوق انسانی برای زن و مرد یکسان است. زن شرف و ناموس هیچکس نیست زن یک انسان آزاد است.

با تشکر از تلوزیون رهایی زن خوشحالم که مهمان برنامه خوبتون بودم. سپاسگزارم از اینکه مشکلات زنان را مورد بحث و گفتگو قرار میدید پایدار و موفق باشید/.

### پیام و ندای زنان سنندج برای محکوم کردن قتل‌های ناموسی

در پی قتل ناموسی دو خواهر به اسمهای پریا و اسرا امیری در شهرک نایسر سنندج و قتل‌های مشابه در اکثر شهرهای کوردستان و همچنین خودکشی زنان به شیوه خشن، چون خودسوزی و حلق آویز کردن، جمعی از زنان سنندج این پدیده غیر انسانی را محکوم میکنند و خواهان مجازات عاملین قتل‌های ناموسی هستند.

تمام انسانها با هم برابر و آزاد آفریده شده اند و حق انتخاب و سرنوشت خود را دارند. هیچ زنی ناموس هیچ کس نیست. قتل‌های ناموسی امنیت روانی جامعه و خانواده‌های قربانیان را به خطر می اندازد و فرزندان بر جای مانده از چنین زانی دچار کابوسهای فراوان به درازای تمام زندگیشان میشود.

روی سخنان به مردان کوردستان هست بیایید بی تفاوت نباشید و با سکوت خود مهر تایید بر چنین جنایاتی نگذارید مردانی که عاملین چنین جنایاتی هستند نام دیگر مردان را زیر سوال میبرند.

روی سخنان با زنان جامعه هست که با حرفهای کوچی بازاری مهر تایید بر چنین جنایاتی نگذارید شاید روزی نوبت شما برسد هم درد آنها باشید.

روی سخنان به جامعه مدنی کوردستان هست بی تفاوت نباشید امنیت جامعه در خطر است بیایید شما صدای زنان بخت برگشته باشید.

روی سخنان به پدر و مادران هست مگر همان شما نبودید دختران خود را با خون و دل بزرگ کردید! چرا در برابر چنین درندگانی از آنها حمایت نمیکنید؟ مگر همان دخترکان شما نبودن!

نه به قتل ناموسی، خودکشی، خودسوزی و نه به حلق آویز کردن.



از قندهار تا به لس آنجلس  
سحر صامت



نامش رامشا است، دختری از سرزمین قندهار واقع در جنوب افغانستان و دومین شهر پر جمعیت این کشور. منطقه بی که در اواسط دهه ی ۷۰ ه ش، محل اصلی تشکیل گروه تندرو طالبان شد و تا به امروز تحت تسلط آن گروه قرار دارد. قندهاری که خود زمانی پایتخت کشور افغانستان بود و یکی از با فرهنگ ترین مناطق این کشور محسوب می شد، اما به مرور زمان سیاست ها و جنگ های داخلی آن شهر را به محل خشونت و وحشت و همچنان زندانی برای زنان تبدیل کرد.

رامشا شفا در سال ۱۹۹۲ میلادی در ولسوالی ارغنداب شهر قندهار چشم به جهان گشود. پدر و مادر رامشا از فعالین سازمان ملل و همچنان مدرس زبان انگلیسی و کلاس های آموزش کامپیوتر برای کودکان در قندهار بودند. انسان هایی که تلاششان روشن ساختن راه زندگی کودکان بود. فقط دو سال از بهار عمر رامشا میگذشت که پدر و مادرش توسط تعدادی از کوردلان در میان خانواده های خودشان و همسایگان به دشمنان علم و دانش که همان طالبان باشند، فروخته شدند و جان های خود را از دست دادند. از اینجا داستان غم انگیز این دخترک دو ساله که پس از درگذشت پدر و مادر توسط فامیل های دور و نزدیک سرپرستی میشد آغاز شد. ده سال پس از یتیم شدنش به علت مشکلات اقتصادی او را به عقد مردی که صاحب دو همسر دیگر و فرزندان بود در آوردند. اولین شوک بزرگ زندگی به رامشای ۱۲ ساله وارد شد. او دیگر باید به جای بازی با هم سن و سالانش و کسب علم و دانش، به زندگی مشترک با مرد چند زنه فکر می کرد. شب ها به جای خواب آرام باید با کابوس برآورده کردن نیاز های جنسی شوهر روبرو می شد. خانه بی کاملاً آشفته و دور از نور امید و مردی که نه

شعور دارد و نه درک. سیاه چالی که لحظه بی آرامش در آن وجود نداشت و مردی که زنان خود را به چشم برده می دید. رامشا خاطرات آن روزها را اینگونه بیان می کند؛ از صبح تا شب کار می کردیم و برای خانواده ی شوهر غذا می پختیم و به جای تشکر و قدر دانی کتک و فحش نصیب مان می شد.

رامشا می گوید؛ به جرات می توانم بگویم اکثر زنان در افغانستان با همین سبک زندگی می کنند. زنانی که ظلم و خشونت را تجربه می کنند اما از بخت بد روزگار مهر سکوت بر لب می زنند. من و همسران دیگر شوهر سابقم نیز مانند هزاران زن دیگر اگر ذره بی صدای اعتراض مان بلند می شد با ضرب و شتم از سوی همسر استقبال می شدیم و یا گوش یا دماغ یا انگشتمان بریده می شد. گاهی آنقدر کتک می خوردیم که چند روز به حال خود نبودیم. رامشا از دوران



بعد زایمان خود خاطره ای در این باره تعریف می کند: یادم میاید حدودا سیزده سال داشتم، زمانی که دخترک معصوم و بی گناهم سحر تازه به دنیا آمده بود. چند روز بعد زایمان تازه می توانستم سر پا بایستم که یک روز از شدت لت و کوب توسط همسرم خونریزی شدیدی به من دست داد و کارم به شفاخانه کشیده شد.

شوهر اولم کوکنار کشت می کرد و آن را به تریاک تبدیل می کردند. آدم های دور و برش هم مانند خودش یک مشت خلاف کار بودند که به اسلحه وارد خانه ی ما میشدند و ما هر لحظه سایه ی مرگ را بالای سر خود حس می کردیم.

شب ها وقت خواب با خودم حرف می زدم و شروع به رویا پردازی می کردم تا بتوانم اینگونه خود را تسلی بدهم. گاهی اوقات ترس آینده ی دخترم در آن خانه و اجتماع مرا تا سرحد جنون می کشاند. میترسیدم میباید دخترم نیز همین سرنوشت را در پیشرو داشته باشد. همیشه حسرت یک زندگی راحت را داشتم.

به علت فشار های زیاد از سوی همسر

بالاخره اولین تصمیم بزرگ و مهم زندگی ام را گرفتم. توسط یک تعداد از فامیل های پدرم یک روز به کابل فرار کردم و همانجا از شوهرم طلاق گرفتم. پس از گذشت مدتی توسط بعضی از سازمان ها بورسیه ی تحصیلی به آمریکا را گرفتم که متأسفانه دخترم سحر شامل این ویزا نمی شد.

پس از مدتی کلنجار با خودم تصمیم گرفتم سحر را سپردم به خانواده ی پدری ام که تلاش بسیاری برای دریافت طلاق رسمی ام از پدر فرزندم کردند و خودم افغانستان را به مقصد آمریکا ترک کردم.

اولین شهری که در آن مستقر شدم ورجینیا بود، روز های سختی را پشت سر گذراندم دور از دخترم آن هم در کشوری که هیچ آشنایی با فرهنگ و جامعه اش نداشتم.

با تمام این سختی ها به شدت به درس ادامه دادم و برای انتقال دخترم به آمریکا با نظامی های این کشور شروع به فعالیت کردم.

عضویت ارتش آمریکا را به دست آوردم و بعد از شش سال فعالیت و اخذ تابعیت کشور آمریکا پیگیر کارهای سحر شدم اما به دلیل اختلاف سنی مان اداره ی مهاجرت این کشور جواب منفی را به پرونده ی دخترم داد و نتوانستم او را به آمریکا بیاورم. طی این مراحل با فرمانده ی نظامی جیسون آشنا شدم. جیسون به من وعده ی کمک برای انتقال سحر را داد اما شرط سنگینی برایم گذاشت، باید با وی ازدواج می کردم. بالاخره بعد از شش سال دوری دخترم را در آغوش گرفتم.

پس از مدتی برادر جیسون توسط طالبان در افغانستان کشته شد و این موضوع انزجار شدیدی را در میان این خانواده به افغانها ایجاد کرد. از آن روز به بعد رفتار های جیسون و خانواده اش نسبت به من نیز تغییر کرد. باز دوباره روزگارم سیاه شد حالا اینبار توسط شوهر آمریکای ام و خانواده اش که من و سحر را مورد آزار قرار می دادند.

سرانجام این امر باعث جدایی ما شد. در تمام این مدت من در دانشگاه نظامی ها تدریس زبان می کردم و حتی در بعضی مواقع به علت مشکلات اقتصادی در رستوران های لس آنجلس ظرفشویی و گارسونی می کردم. به هنر خوانندگی علاقه ی شدیدی داشتم و با کمی پس انداز اولین کار خود را به نام آرزو به بازار موسیقی ارایه دادم. این آهنگ در مدت زمان بسیار کوتاهی طرفداران زیادی پیدا کرد. با شوق و علاقه به کارم ادامه دادم غافل از اینکه این

راه هم ناهمواری های زیادی دارد. پس از دریافت آورد شو مورد بی انصافی یک تعداد از هم مسلکانم در جامعه ی هنری قرار گرفتم.

متأسفانه بعضی از هنرمندان مشهور به علت ترس و حسادت کارهای بسیار غیر انسانی در مقابل من انجام دادند. به طور مثال یک سری از عکسهای خصوصی ام را که جیسون در اختیارشان قرار داده است را همراه با یک زندگینامه‌ی دروغین در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند.

این رخداد سرعت موفقیت‌های مرا کند کرد و گاهی هم به تاخیر انداخت. اما من همیشه به عنوان یک زن آگاه به آرامی راه حل مناسبی برای مشکلات پیدا کردم.

از رامشا در مورد میزان تحصیلاتش در آمریکا پرسیدم  
Social psychology and public administration

میزان تحصیلاتم در این دو رشته کارشناسی ارشد است و برای اخذ دکترا تلاش دارم. با اینکه زبان مادری رامشا پشتو است اما او در عرصه‌ی کارهای هنری خود تلاش زیادی دارد. رامشا یک آهنگ مشترک با اندی خوانده‌ی ایرانی به دو زبان ایرانی و پشتو خوانده و همچنان یک آهنگ به سبک ایرانی که مورد پسند تعداد زیادی از مخاطبین ایرانی اش نیز قرار گرفته است.

با تأسف و تأثر میتوان گفت سرچشمه‌ی تمام مشکلات برای زنان در جوامع نچندان توسعه یافته عدم حضور دموکراسی و آموزش آن و حاکمیت فرهنگ زن ستیزی است. امروز هزاران زن مانند رامشا قربانی فرهنگ سنتی و سیاست‌های کثیف دولتمردان بی‌کفایت اند. امروز رامشا مانند هزاران زن دیگر تلاش میکند تا چهره‌ی دیگری از زنان افغانستان را به جهانیان به نمایش بگذارد و به همه ثابت کند این فرهنگ مردسالار است که زندگی و سرنوشت زنان را در افغانستان به قرن‌ها عقب رانده است. امروزه رامشا یکی از تابوشکنان است که با نه گفتن به افکار کهنه‌ی ضد زن به مردم ثابت می‌کند که به حرف دیگران نسبت به زندگی خودشان اهمیتی قابل نشوند.

### “سرکوب، خفقان و فساد، نشانه‌های زوال یک حکومت استبدادی است”

#### آتنا دانمی فعال حقوق زنان و کودکان از زندان اوین



تاریخ تکرار می‌شود و تنها با علم به تاریخ می‌شود به حال بد حکومت جمهوری اسلامی پی برد. سرکوب و ایجاد رعب و وحشت، نارضایتی‌های داخلی و اعتراضات اقلیت مختلف مردم، فقر و بیکاری گسترده، از بین رفتن و انکار آزادی‌های مدنی و افزایش آمار زندانیان سیاسی و عقیدتی و صدور احکام سنگین و غیرقانونی، افزایش شدید فسادهای کلان مالی و اختلاس‌های نجومی، اوضاع آشفته و نا به سامان و خطرناک سیاست خارجی و بین‌المللی و در نتیجه تحریم‌های متوالی و کمرشکن، همه این‌ها در همه دوره‌ها هم نشانه ضعف و زوال حکومت و هم نشانه نبود پشتوانه چه در داخل و چه در خارج برای ادامه حیات آن بوده است.

اخیراً بازداشت‌های دسته جمعی فعالان مدنی و سیاسی در حوزه‌های حقوق کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و نویسندگان و... نگران کننده است، البته تنها حکومت است که می‌بایست نگران باشد! نگرانند و اعمال‌شان گویای ضعف و ناتوانی آن‌هاست که برای حفظ بقای خود چاره‌ای جز این نمی‌بینند، با وضعی که از خود نشان می‌دهند و با این حجم از سرکوب‌ها تنها با مقاومت و ایستادگی نتیجه‌ای را که مدت‌هاست به دنبال آن هستیم در پی خواهد داشت.

در سده‌های پیشین نیز تعداد زیادی از فعالان سیاسی از احزاب و تشکلهای گوناگون در زندان‌های مخوف حکومت‌های دیکتاتوری زمان به‌سر می‌بردند. بسیاری کشته شدند و بسیاری از جان و مال و آینده خود گذشتند و با مقاومت در زندان تأثیرات عمیق و شگرف و با شکوهی در آینده کشور و مردم گذاشتند. کسانی که بی‌آنکه به دنبال نام و شهرت رسانه‌ای و بین‌المللی و کسب مقام و جایزه و پول باشند، جان در کف در مقابل غول دیکتاتور ایستادگی کردند، با فعالیت‌هایشان حتی در زندان و اتحادیه‌های بی‌نظیرشان، مدعیان قدرت را به زانو در آوردند و درس‌های آموزنده‌ای برای ما به ارث گذاشتند. از لحاف دوز و کفاش و دست‌فروش که بسیاری از آن‌ها حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند، تا روزنامه‌نگار و دکتر و مهندس و... با حضور فعال در مبارزات و تشکلهای، هزینه‌ها پرداختند که آوازه مقاومت‌هایشان در دنیا پیچید، بی‌آنکه نامشان را کسی بداند.

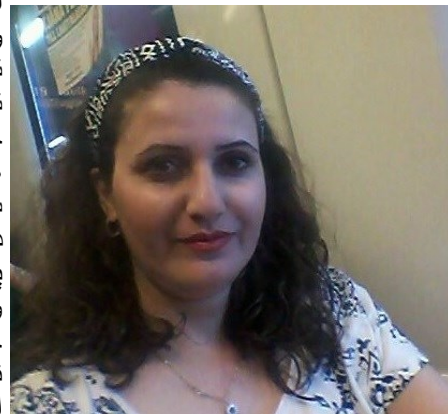
همه می‌دانیم حکومتی که برای بقای خود دست و پا می‌زند خود را نیز زخمی می‌کند، انسان‌های بی‌گناه را قربانی اهداف خود خواهد کرد و حتی هر آنچه که مدعی مقدس بودنش بود، زیر پا له خواهد کرد و به طرق مختلف قدرت نمایی خواهد کرد، اما همه ما این را نیز می‌دانیم که هیچ چیز نمی‌تواند در مقابل قدرت مردم و عزم راسخ آنها ایستادگی کند و مردم کافی‌ست که بدانند و بخواهند و به هدف خود ایمان داشته باشند و کافی است آگاهی و از خودگذشتگی را فراگیر کنند.

طی سال‌های اخیر عمال جمهوری اسلامی خواستند تا صدای فعالان را خاموش کنند، عده‌ای را کشتند، عده‌ای را چون ارژنگ داوودی ربودند و بسیاری را با انواع شکنجه‌های روانی خواستند که از میان بردارند.

همانطور که مرا نیز سعی می‌کنند علاوه بر زندان و با محرومیت از ابتدایی‌ترین حقوق یک زندانی، تبعید، پرونده سازی‌های آبیکی، آزار و اذیت و تهدیدهای مکرر اعضای خانواده و دروغ و توطئه در زندان و نسبت دادن اعمال غیر اخلاقی و... ساکت کنند و صدایی را که در قلم نهفته است خفه کنند، اما من نیز چون سایر دوستانم وقتی می‌دانم که زندانیان سیاسی کشورم در دو سده اخیر چگونه در برابر این قبیل شوخی‌های احمقانه ایستادگی کردند، از آنها درس خواهم آموخت تا به آنچه برایش در زندانم برسم

هر چه اعمال فشارشان بیشتر، نابودی‌شان نزدیک تر!! همچون درد زایمان! هر چه درد بیشتر تولدی باشکوه و تمام شدن درد نزدیک تر!!

**باز هم قتل ناموسی**  
**سحر باباسلجی**



کشتن سنگدلانه زنان و دختران به خاطر زن بودنشان است. در کمتر از یکماه گذشته شاهد چند فقره قتل ناموسی در کردستان بودیم. همان زنان مظلومی که در خانه خود امنیت جانی ندارند، بعد از کشتن شایسته و اسرا در ۱۸ اردیبهشت

و بعد از وقوع این حادثه دلخراش، در تاریخ ۲۳ اردیبهشت جمعی از مدافعین حقوق زنان در شهرهای سنندج و مریوان دست به تجمع اعتراضی زده و کشتار چینی وحشیانه زنان بیگناه را به شدت محکوم کردند. همانطور که همگان مستحضر هستند، بر کسی پوشیده نیست که قانون جمهوری اسلامی، خود نیز ذخیل است در بوجود آوردن اینچنین قتل‌های ناموسی هولناک که همواره اتفاق می افتد.

سنت‌های ارتجاعی زن ستیز رژیم جمهوری قوانین بشدت ظالمانه را علیه زنان در کشور رواج داده است. علاوه بر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، خود قوانین ارتجاعی کهنه پرستی، و افکار پوچ و سنتی، عقب مانده زن ستیز نقشی تعیین کننده در این قتل‌های ناموسی، ایفا میکند. بنابراین واضح و مبرهن است که همه باید متحدانه در مقابل این عقب ماندگی، و کهنه پرستی ایستاد برای خاتمه دادن به قتل‌های ناموسی و خشونت و جنایت علیه زنان واز همه مهمتر باید به عمر رژیم ننگین جمهوری اسلامی خاتمه داد. و استقرار یک حکومت که به آزادی و برابری بین زن و مرد احترام میگذارد بعنوان یک پیش شرط سیاسی، در راس همه امور قرار گیرد.

**انتشارات شش رنگ (شبکه لزبین ها و ترنسجندرهاى ایرانى) شادى امین**



**ماه مه 2019، روز جهانی مقابله با همجنسگر استیزی، دوجنسگر استیزی و ترنس ستیزی**

**چکیده مطلب و چند توصیه برای رسانه‌های فارسی زبان**  
نوشتار مفصل زیر نقدی است بر استفاده از واژه "دگرباش" و مشتقات آن مانند "دگرباش جنسی" که استدلال می‌کند این

اصطلاحات نه تنها ناکارا، الکن، مبهم و مغشوش هستند بلکه بسیاری از اعضای جامعه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی آن را تحقیر و توهین آمیز می‌دانند. تداوم به‌کارگیری مفهومی که شنونده را از فکر کردن باز می‌دارد و یا بدتر از آن، وی را به گفتمانی نادرست رهنمون می‌شود، بر باد دادن حاصل سال‌ها کار سخت و پر مشقت بسیاری از فعالین این حوزه است.

موازین اخلاقی حاکم بر رسانه‌ها حکم می‌کند که چنانچه تعداد قابل توجهی از اعضای جامعه اقلیت، احساس کنند که با نوع خاصی از خطاب قرار گرفتن، مورد تحقیر واقع می‌شوند، دیگر از آن کلمه برای اشاره به آن گروه از جامعه استفاده نشود. در کلیه اسناد جهانی از جمله یوگیا کارتا (اصول مربوط به شمول قوانین بین‌المللی حقوق بشر، در زمینه تمایل جنسی و هویت جنسیتی) نیز به درستی در هر پاراگراف، مفاهیم گرایش‌های جنسی، هویت‌های جنسیتی، بیان جنسیتی و شاخصه‌های جنسی تکرار شده‌اند تا از هر گونه ابهام و اغشاش جلوگیری کنند. این درست نقطه مقابل درک جامعه ایرانی است که با استفاده از واژه دگرباش، تحت عنوان موجز بودن، به ضرورت استفاده از تمام این مفاهیم خاتمه می‌دهد. این یعنی گرفتار درکی رخوت‌زده شدن که گروه‌های انسانی را در یک ظرف می‌ریزد تا خود را از بیان پیچیدگی و تفاوت‌های بین آنان رها کند. اما دانستن این تفاوت‌ها، تفاوت‌های واقعی که برای جنبش جهانی اقلیت‌های جنسی و جنسیتی (همجنس‌گرایان، ترنس‌جندرها، دوجنس‌گرایان، بینا جنسی‌ها) تعیین‌کننده و مهم هستند، و به رسمیت شناختن آن‌ها توسط روزنامه‌نگاران، فعالین سیاسی و اجتماعی، دانشگاهیان و جامعه حقوق بشری ایرانی اهمیت بسیار دارد.

با این همه، ممکن است در بسیاری از موارد، به دلیل ضعف زبان فارسی در مخفف‌سازی، امکان نام بردن از تمامی گروه‌های درون جامعه اقلیت‌های جنسی وجود نداشته باشد. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود ضمن پرهیز از استفاده از اصطلاح دگرباش یا دگرباش جنسی، از این پس: وقتی مطلبی اشاره به تمامی افراد دارای گرایش جنسی و هویت جنسیتی متفاوت دارد، از اصطلاح عام "اقلیت‌های جنسی" یا جامعه/افراد ال‌جی‌بی‌تی‌کی‌وی‌ای استفاده شود. در اینجا اقلیت بودن دلالت بر کمیت افراد این جامعه دارد. به لحاظ کمی در اقلیت بودن، نه حقی را از کسی سلب می‌کند و نه تحقیری را در بر دارد. درست به همان شکل که در جامعه ایران، گروه‌های مختلف اقلیت مذهبی یا اتنیکی وجود دارند. وقتی یک گروه خاص درون جامعه اقلیت‌های جنسی مدنظر است، به طور مشخص از عنوان همان گروه استفاده شود. مثل: همجنس‌گرا یا همجنس‌خواه، ترنس‌جندر یا فراجنسیتی، ترنس‌سکشوال یا تبدل‌خواه جنسی یا تغییر جنسیت‌خواه، کوییر، اینترسکس یا بینا/میان جنسی و دوجنس‌گرا. درست به همان شکل که وقتی درباره نقض حقوق بهاییان، به عنوان یکی از اقلیت‌های مذهبی صحبت می‌کنیم، به عنوان مذهب آن‌ها به طور خاص اشاره می‌کنیم و همین قاعده برای اهل سنت، مسیحیان و... هم صادق است.

متن کامل این جزوه را می‌توانید از اینجا بخوانید:  
<http://6rang.org/wp-content/uploads/2019/05/DA%86%D8%B1%D8%A7%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D9%81%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B2-%D9%88%D8%A7%DA%98%D9%87-%D8%AF%DA%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B4-%D9%88-%D9%85%D8%B4%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AA-%D8%A2%D9%86-%D9%86%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%9F.pdf>

**وضعیت حقوق بشر در ایران**  
**مرضیه آدمی فعال حقوق بشر و حقوق زنان**



هنوعان عزیز مسلما شما هم در جریان دستگیریهای بیشمار زنان و دختران وطنمان در این روزها هستید . چند روز پیش خانم نگارمعظم را که در ایبانه آواز خوانده بود تا شاید با هنرش لحظاتی هر چند کوتاه هموطنانش را شاد کند ؛ بلافاصله روز بعدش از طرف مقامات قضایی برایش احضاریه فرستادند ؛ گویا پایه های رژیم جمهوری اسلامی با خواندن ترانه نگار عزیز سست و در حال نابود شدن است .



و اینبار در مورد خانم ویدا موحد مبارز نستوه و مادری جوان که اولین دختر خیابان انقلاب نامیده شد ؛ دختری ستودنی که با برداشتن روسری خود ؛ بعنوان اعتراض به حجاب اجباری ؛ تحت فشار شدید قرار گرفت.

**ویدا موحد اولین دختر خیابان انقلاب**

به گزارش خبرگزاری هرانا، وکیل مدافع ویدا موحد در پستی اینستاگرامی از عدم موافقت سرپرست دادرسی ارشاد با آزادی



ویدا موحد

مشروط موکلش خبر داد. او اولین زن معترض به حجاب اجباری و حرکت موسوم به دختران خیابان انقلاب است .

پیام درفشان ، وکیل دادگستری در متن این یادداشت با اشاره به نتیجه دادن پیگیریها برای اعلام قطعیت حکم و ارسال درخواست آزادی مشروط به زندان برای آزادی ویدا موحد، گفته است که سرپرست دادرسی ارشاد مخالف این موضوع است و قاضی اجرای احکام نیز ویدا موحد را دارای شرایط عفو نمی داند، درحالی که دادگاه صادر کننده رای کماکان با آزادی مشروط این زندانی اعلام موافقت می کند

او در بخشی از این یادداشت با اشاره به وضعیت جسمانی نامناسب ویدا موحد افزود: «خانم ویدا موحد دچار کسالت می باشد و به شدت کاهش وزن پیدا نموده و این کسالت و حتی تاکید بر شدت آن نیز مورد تایید پزشکی قانونی قرار گرفته و در نتیجه تاخیر برای امکانات مناسب درمانی موجب آسیب برای ایشان شده است.

به گفته پیام درفشان، وکیل مدافع ویدا موحد به اتهام "تشویق مردم به فساد و فحشاء از طریق کشف حجاب" به یک سال زندان محکوم شده اما پس از آن مشمول عفو رهبر جمهوری اسلامی شده است. خانم موحد اولین زنی است که در اعتراض به حجاب اجباری روسری خود را در میدان انقلاب تهران از سر برداشت.

وکیل خانم موحد به خبرگزاری ایرنا در این رابطه گفته است که خود او نیز در نامه ای متعهد شده که این کار را تکرار نکند و درخواست آزادی مشروط کرده است. به همین دلیل نیز قاضی دادگاه جهت تسریع رسیدگی به جریان آزادی او شخصا دستور داده است که پرونده خیلی سریع برای طی روال قانونی به اجرای احکام و زندان ارسال شود.

پیام افشار گفته است که علت درخواست آزادی مشروط از سوی موکلش این است

که او یک کودک دوساله دارد و نگران پیامدهای منفی برای فرزندش است. با این حال مسئولان زندان شهر ری به این پرونده رسیدگی نکرده و هیچ درخواستی از این زندان برای اجرای حکم ارسال نشده است.

ویدا موحد بهمن ماه سال ۱۳۹۶ روی سکویی در تقاطع خیابان انقلاب و وصال در تهران برای اعتراض به حجاب اجباری روسری سفید خود را از سر برداشت و آنرا مانند یک درفش بر سر چوب کرد. این آغاز حرکتی بود که به دختران خیابان انقلاب معروف شد و به دنبال او زنان دیگری این کار را تکرار کردند.

دختر

خیابان

انقلاب

سه عنصری که نظام مقدس از تک تک آنها می هراسد، اینک در یک نفر تبلور یافته است.

دختر خیابان انقلاب «نماینده آخرین نسلی است که با برافراشتن «پرچم سفید» با شما سخن میگوید . او آرام و بی هیاهو میگوید:

اجبار بس است

باید به حکومتگران هشدار داد که : "گیرم که بر سر این بام ، بنشسته در کمین پرنده ای، پرواز را علامت ممنوع می زنید ؛ با جوجه های نشسته در آشیانه چه می کنید؟

متأسفانه ایرانیان همیشه منتظرند تا دیگران بپا خیزند و ملت 80 میلیونی اسیر و مستاصل و گرفتار را نجات دهند ؛ در حالیکه تا هر یک از ما برنخیزیم و دست به دست هم ندهیم ؛ محال است که ایران و ایرانیان از دست این ظالمان ضد ایرانی رها شوند .

بیانید دست از بی تفاوتی و بی خیالی برداریم و از حقوق هممیهنمان دفاع کنیم و گامی در راه آزایشان برداریم

بامید آزادی ایران و هم وطنانمان از چنگال اهریمنان

**توجه: لازم به ذکر است ویدا موحد در تاریخ 27 ماه می 2019 آزاد شد.**



**#سپیده قلیان به زندان قرچک ورامین منتقل شد.**

سپیده قلیان که در زندان اوین تهران در بازداشت بسر می برد، صبح روز دوشنبه 13 خردادماه به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

سپیده قلیان، فعال مدنی در تاریخ ۳۰ دی ماه ۱۳۹۷، همزمان با اسماعیل بخشی، فعال کارگری توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شده بودند.

**صبا کردافشاری دوباره بازداشت شد**

صبا کردافشاری، شهروند ساکن تهران که پیش‌تر طی اعتراضات مردادماه ۹۷ زندانی شده و بهمن‌ماه سال گذشته از زندان آزاد شده‌بود، دوباره از سوی نیروهای امنیتی در منزل پدری‌اش بازداشت شد. صبا کردافشاری پیش از این طی اعتراضات مردادماه ۹۷ بازداشت و به یکسال حبس محکوم شده‌بود و روز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه ۹۷ مشمول عفو ۲۲ بهمن شده و از زندان اوین آزاد شده‌بود.



**وضعیت نگران‌کننده سلامتی آمنه ظاهری ساری یک فعال فرهنگی اهوازی در زندان سپیدار**

آمنه ظاهری ساری فارغ‌التحصیل رشته حسابداری و فعال فرهنگی اهل اهواز که صبح روز سه‌شنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۹۷ توسط اداره اطلاعات بازداشت شده، در زندان سپیدار اهواز از تورم حاد در بدنش رنج می‌برد. او که فرزند حطاب، ساکن کوی علوی «حی الثوره» است، یک روز پس از بازداشت پدر و برادرش زندانی شده است. فعالان حقوق بشری روز یکشنبه ۵ خردادماه اعلام کردند که خانواده آمنه ظاهری ساری که در بند زنان زندان سپیدار اهواز محبوس است، گفته‌اند که وضعیت سلامتی او روز به روز وخیم‌تر می‌شود و آنها نسبت به این موضوع نگران هستند.

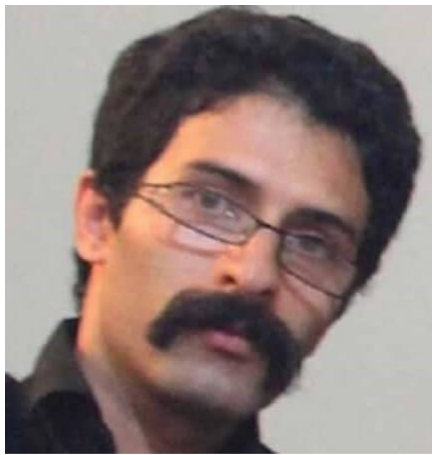


بنا به اظهار آن‌ها، آمنه ساری ۲۰ ساله مدتی است که در این زندان از تورم حاد در بعضی از اعضای بدنش درد می‌کشد.

**پرونده سازی جدید برای سعید شیرزاد زندانی سیاسی با وجود وخامت حال وی**

علیرغم اتمام دوران محکومیت سعید شیرزاد فعال سیاسی چپ‌گرا که به صورت تبعیدی در زندان گوهردشت کرج به‌سر می‌برد، مقامات قضایی و امنیتی با گشایش پرونده‌ای جدید، از آزادی وی جلوگیری می‌کنند.

به گزارش گذار، سعید شیرزاد، زندانی سیاسی محبوس در زندان گوهردشت کرج که طبق حکم ارائه شده به مسئولان زندان، می‌بایست در تاریخ ۲۱ فروردین‌ماه سال ۱۳۹۸ با اتمام دوران محکومیت، از زندان آزاد می‌شد، مسئولان امنیتی زندان، با پرونده‌سازی مجدد از آزادی وی جلوگیری می‌کنند. یک منبع مطلع در این خصوص به گزارشگر گذار گفت: «مسئولین زندان و عوامل اطلاعات در پی اعتراضات پس از انتقال زندانیان بند سیاسی گوهردشت، با پرونده‌سازی مجدد برای سعید شیرزاد این فعال سیاسی را به اتهام «اخلال در نظم عمومی» به تحمل ۶ ماه حبس محکوم کرده و در پی اعتصاب غذای اعتراضی به شرایط غیر انسانی ایجاد شده در بند پس از انتقال زندانیان، یک سال حبس تعلیقی وی را نیز اجرایی کرده‌اند.» سعید شیرزاد، زندانی سیاسی که از بیماری کلیوی رنج می‌برد به دلیل ممانعت مسئولین زندان در شرایط نامناسب به دور از حق درمان و رسیدگی پزشکی در زندان گوهردشت کرج به‌سر می‌برد.



خواهر سعید شیرزاد، پیش‌تر طی یادداشتی که در صفحه اینستاگرامی خود منتشر کرده بود در خصوص آخرین وضعیت برادر خود نوشته بود: «دیروز طی ملاقاتی که با سعید داشتیم مشخص شد نامه‌ای که دادستانی برای اعزام سعید به بیمارستان، برای زندان فکس کرده جهت مراجعه به بیمارستانهای طرف قرارداد زندان هستند که با توجه به نامه‌های مکرر بهداری زندان در شش ماه گذشته مبنی بر نبود امکانات در آن بیمارستان، عملاً بعد از شش ماه از مشخص شدن نتایج آزمایشات کلیوی (کوچک شدن کلیه راست و کیست کلیه چپ) و نیاز مبرم به فیزیوتراپی و آب درمانی برای مهره های ستون فقرات و کتف دست راست و تحت نظر قرار گرفتن توسط پزشک متخصص، از درمان (حتی با پرداخت هزینه شخصی) محروم شده است.»

یک منبع مطلع پیش‌تر گفته‌بود: «پزشک معالج وی پس از اطلاع از اعتصاب غذاهای مکرر سعید شیرزاد در زندان، دلیل کوچک‌تر شدن کلیه‌اش را تغذیه نامناسب ناشی از اعتصاب غذاهای مداوم و عدم رسیدگی پزشکی به موقع و اعزام به بیمارستان تشخیص داده است.» سعید شیرزاد، زندانی سیاسی محبوس در زندان رجایی‌شهر و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان که تاکنون بارها دست به اعتصاب غذاهای طولانی و مکرر زده از ۱۸ خرداد ماه ۱۳۹۳ در بازداشت به سر می‌برد. او بیش از ۲ ماه را در بند ۲۰۹ زندان اوین در انفرادی و بدون داشتن ارتباط با خانواده و وکیل خود به سر برد. دادگاه این فعال سیاسی، ۲۱ شهریور ۹۴ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی و با حضور وکیل او امیرسالار داودی پس از گذشت پانزده ماه از تاریخ بازداشتش برگزار شد. وی در نهایت به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به ۵ سال حبس تعزیری محکوم و حکم صادره در روز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۴ به وکیل وی ابلاغ شد. مصداق های اتهامی که در صدور رای دادگاه مد نظر گرفته شده بود عمدتاً مربوط به فعالیت های مدنی وی از جمله دیدار با خانواده های زندانیان سیاسی و گزارشگری از وضعیت حقوق بشر بود. «سعید شیرزاد» که به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده‌بود، در پرونده‌ای دیگر در ارتباط با کمک به مردم زلزله زده «اهر» در آذربایجان شرقی، به یک سال حبس تعلیقی محکوم شده بود و محکومیت وی به ۶ سال افزایش یافت.

لازم به توضیح است که امیر سالار داودی وکیل مدافع سعید شیرزاد از آبان ماه سال گذشته توسط نیروهای امنیتی بازداشت و کماکان در بازداشت بسر می‌برد.

سعید شیرزاد که بیش از یکماه از اتمام دوران محکومیتش می‌گذرد کماکان در زندان گوهردشت کرج در حبس به‌سر برده و با پرونده‌سازی مسئولان امنیتی، با حکمی یکسال و نیمه علاوه بر محکومیت سپری شده قبلی مواجه است.



### آوارگی ۳۱ میلیون کودک در کشورهای جنگ‌زده و مناطق بحرانی

بر اساس اطلاعات «صندوق نجات کودکان» حدود ۴۲۰ میلیون کودک در این مناطق بیمار هستند. این رقم بیش از دو برابر رقمی است که ۱۹۹۵ ثبت شده است. کشورهای درگیر بحران و جنگ بالاترین میزان مرگ و میر نوزادان را دارند. آمار کودکانی که به دلیل سوءتغذیه رشد مناسبی ندارند یا نمی‌توانند به مدرسه روند نیز بسیار بیشتر است. آمار ازدواج زودهنگام و اجبار کودکان به نیز در این کشورها، مانند سوریه بالاتر است. در این کشورها آوارگی مهمترین دلیل نابودی کودکی کودکان عنوان شده است. نزدیک به ۳۱ میلیون کودک در مناطق بحرانی و کشورهای جنگ‌زده جهان بی‌خانمان شدند و آواره هستند. این رقم در مقایسه به دو دهه گذشته ۸۰ درصد افزایش یافته است.

[#حقوق کودکی #جنگ](#)



### یک نوزاد ۷ ماهه پس از ختنه توسط یک پرستار جان خود را از دست داد.

دادگاه رسیدگی به اتهام پرستار مبنی بر قتل شبه عمد یک سال پس از مرگ نوزاد تشکیل شد. دادگاه در نهایت متهم را به دو سال حبس تعزیری و پرداخت دیه یک انسان کامل محکوم کرد. پیش از این نیز اخبار متعددی از مرگ کودکان در حی انجام عمل ختنه منتشر شده بود.



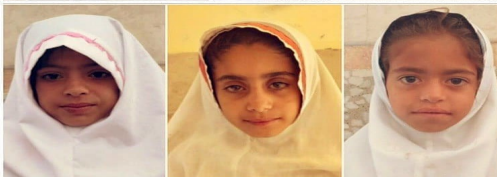
### کودک همسری در همدان؛ ۱۶۰۰ ازدواج طی یک سال

یک مقام دادگستری همدان از ازدواج ۱۵۹۶ دختر زیر ۱۵ سال با ۶۰ مورد طلاق در سال گذشته خبر می‌دهد.



### کودکان خردسالی که برای جرعه‌ای آب جان دادند!

منیره خدمتی، مریم خدمتی و یسرا دلشوب، سه دختر دانش‌آموز اهل روستای «کمو بازار» در چابهار در حال گرفتن از هوتگ (گودال ذخیره آب باران) متأسفانه غرق شده و جان دادند. هوتگ: به آب بین انسانها و حیوانات مشترك است. گفته می‌شود.



### جزیره‌هایی به نام مدارس "لاکچری" در دریایی از فقر عمومی

علیرضا سلیمی، نماینده مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه ۵ خرداد (۲۶ مه) مجلس شورای اسلامی نسبت به مدارس غیر دولتی گران قیمت یا "لاکچری" در سطح شهر تهران تذکر شفاهی داده و به هزینه‌های سرسام‌آوری اشاره کرده که خانواده‌ها برای فرستادن فرزندان‌شان به این مدارس می‌پردازند. خبرگزاری مهر به نقل از او نوشته است: «در این مدارس ۸۰ میلیون تومان از خانواده‌ها دریافت کرده‌اند و دانش‌آموزان را به کشورهای سوئد و فرانسه برده‌اند.» او ابراد گرفته است که چرا «در شرایطی که بخش قابل توجهی از جامعه در فشار اقتصادی به سر می‌برند» چنین مدرسی در تهران فعالیت می‌کنند. علی لاریجانی، رئیس مجلس نیز از کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس خواسته است که موضوع مدارس لاکچری در تهران را پیگیری کند



مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه های تلویزیونی و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پهنده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

PoI V

FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: [verya.1360@gmail.com](mailto:verya.1360@gmail.com)

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [Sharahrezaei.p@gmail.com](mailto:Sharahrezaei.p@gmail.com)